

بخش نخست

سرگذشت ملت یهود

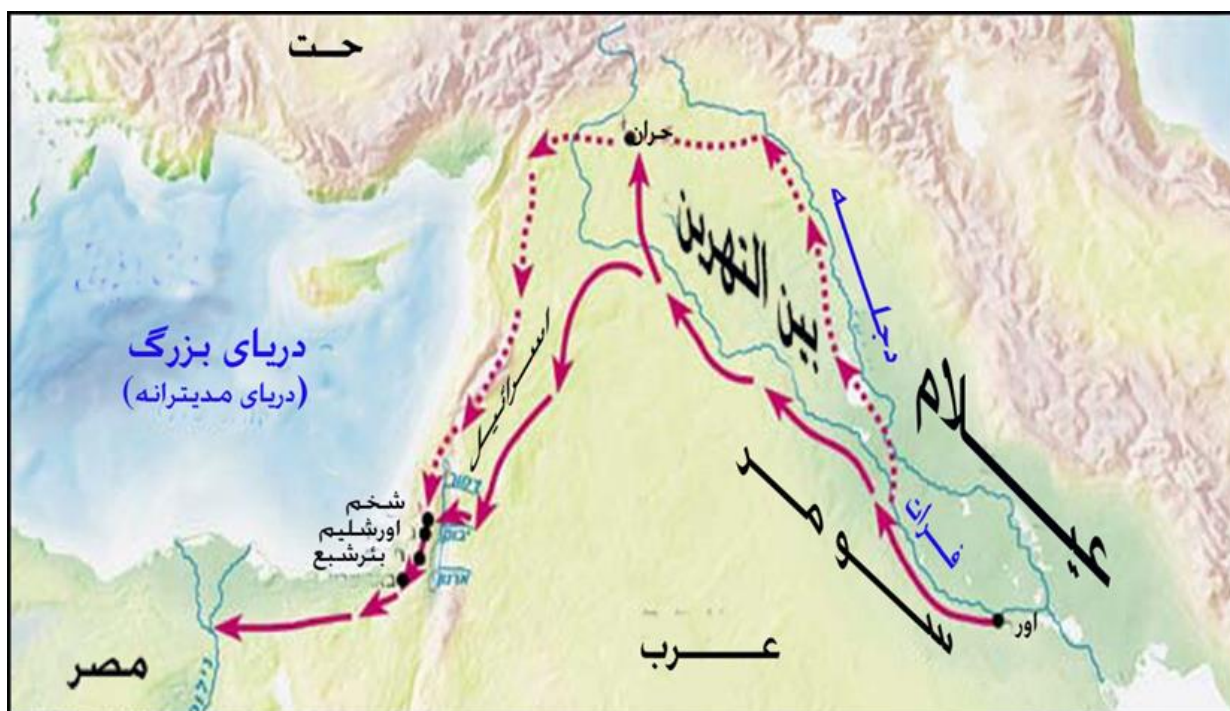
و سرزمین اسرائیل



پروفسور امنون نتصر در این بخش از کتاب
از پیشینه‌ی یهودیان در درازای تاریخ
از هنگام شکل گرفتن به صورت یک ملت
تا بازگشت به استقلال ملی
سخن می‌گوید

گفت و گوی تخت

یهودیان باستان از کجا آمده اند و چگونه در اسرائیل ساکن شده اند؟



مسیر عبور حضرت ابراهیم و خاندان او از "اور" (بخشی از عراق امروز) به کنعان

پرسش - پروفیسور امنون نتصر، با سپاس بسیار از آمادگی شما برای انجام این رشته گفت و گویهای رادیویی، پرسش نخستین ما آن است که یهودیان سرزمین پدری خود را که در آنجا ملت یهود موجودیت روحانی و معنوی و ملی و فرهنگی خویش را شکل بخشید "اسرائیل" می نامند، کشورهای عربی آن را "فلسطین" می خوانند، در غرب با واژه Palestine از آن یاد می کنند و حکومت اسلامی ایران آن را "بیت المقدس" لقب داده است. این تفاوت اسامی را شما چگونه توجیه می کنید؟

پاسخ - برای کسانی که به تاریخ ملت یهود آشنائی دارند، بین این اسامی تضادی موجود نیست. شما با این پرسش می خواهید که من جهشی بکنم و از تاریخ چهار هزار سال پیش ملت یهود به دو هزار سال پیش بیایم، که می شود سال صفر میلادی. یعنی در واقع

منظورم همان سال هائی است که امپراتوری روم این سرزمین را تصرف کرد و نام یهودی آن را باطل ساخت و این سرزمین را "فلسطین" نام نهاد.

پرسش - آیا منظور شما آن است که از چهار هزار سال تاریخ مکتوب یهودیان در سرزمین اسرائیل، تنها از دو هزار سال پیش است که نام آن را در جهان عوض کرده و این سرزمین را "فلسطین" نامیدند؟

پاسخ - تنها عده ای بودند که اسم این سرزمین را عوض کردند. برای ما یهودیان، این نام عوض نشده است. برای کسانی که با تاریخ یهود آشنائی دارند، این نام بدون تغییر مانده است. اگر اجازه بدهید من اول اشاره هائی کوتاه و فشرده بکنم به تاریخ یهودیان و پیشینه ملت این سرزمین، تا موضوع کاملا روشن گردد.

پرسش - پس اجازه دهید بپرسم که یهودیان از کجا آمدند و از چه هنگام در این سرزمین مستقر شدند و تاریخ آن ها چیست؟

پاسخ - در واقع یهودیان نیز مانند هر ملت دیگری یک پدر بزرگ داشته اند که ما از احفاد و سلاله آن پدر بزرگ هستیم و همین طور رشد و نمو کردیم و زیاد شدیم و به صورت یک ملت در آمدیم.

ولی موضوع آنقدر هم ساده نیست. چگونه افراد و یا قبائلی رفته رفته متشکل شدند و به صورت یک ملت در آمدند؟

حالا تاریخی را که صدها جلد کتاب درباره آن نوشته شده، در این رشته گفت و گوها ما تلاش داریم به صورت اختصار بیان کنیم ولی اگر خیلی هم مختصر باشد فکر نمی کنم که واقعا به هدف خود برسیم.

به صورت بسیار ساده می توانم بگویم که حضرت ابراهیم پدر جد ما از سرزمینی آمد که سومر نامیده می شد. سومر سرزمینی است که شهر اور در آنجا قرار دارد که در بخش جنوبی نهر فرات (در عراق امروز) واقع شده است. این همان مکانی است که "ین النهرین" نیز نام دارد. حضرت ابراهیم به سوی شمال خاک سومر به راه افتاد و به سرزمینی رسید که در آن دوران "کنعان" نامیده می شد.

در این سرزمین افراد خانواده او زاد و ولد کردند. ابراهیم اسحاق را به دنیا آورد و اسحاق یعقوب را به وجود آورد و این قبیله رو به افزایش گذاشت. در واقع از هنگام زاده شدن یعقوب بود که نخستین نشانه های موجودیت ملت یهود شکل می گیرد و این ملت اصالت خود را به دست می آورد. نام دیگر یعقوب "اسرائیل" بود. یعنی همه آنانی که از خانواده یعقوب و فرزندان و نوادگان او زاده شدند، "اسرائیل" نام دارند. یهودیان نیز در داخل ایران، در گفت و گو با هم، یکدیگر را "ایسرائل" خطاب می کردند.

حضرت یعقوب دوازده فرزند داشت که آن ها قبائل دوازده گانه قوم یهود را به وجود آوردند و "اسباط دوازده گانه" نیز خوانده می شوند. در دورانی که در سرزمین کنعان قحطی و خشکسالی رخ داد، افراد این قبائل دوازده گانه به مصر کوچ کردند.

پرسش - پروفیسور نتصر لطف کنید و به تاریخ ها اشاره کنید. مثلاً بفرمائید که حضرت ابراهیم چه هنگام اور را ترک گفت و به سرزمین کنعان آمد؟

پاسخ - در این مورد نمی توان تاریخ دقیقی را ذکر کرد، زیرا منابع و کتب مختلف زمان های گوناگونی را ارائه می دهند. ولی برای ساده کردن جریان و گفتن تاریخی که در ذهن جای گیرد، به طور تقریبی می توانم بگویم که سخن از چهار هزار سال پیش است. بعضی ها صد سال و یا صد و پنجاه سال دیرتر از این تاریخ را ذکر می کنند. ولی تقریباً و کم و بیش می توان گفت که حدود چهار هزار سال پیش هجرت حضرت ابراهیم از اور به کنعان انجام گرفت.

پرسش - پس انتقال بنی اسرائیل به سرزمین مصر در چه تاریخی رخ داد؟

پاسخ - تقریباً حدود هفتاد سال پس از زاده شدن حضرت یعقوب بود. در آن ایام به علت بروز قحطی و کمبود آذوقه در سرزمین کنعان آن ها رهسپار مصر شدند. شوربختانه باید بگویم که در سرزمین کنعان، یعنی همان سرزمین اسرائیل که ما در آن زندگی می کنیم، قحطی و کمبود آذوقه همیشه یک پدیده عادی بوده است.

بنابراین، به علت قحطی، خاندان یعقوب رهسپار مصر شدند و در بخش شرقی محلی که دلتای نیل نامیده می شود مستقر گردیدند و طبعاً زاد و ولد کردند. در آن سرزمین آن ها سختی هائی متحمل شدند که شاید چندان سخت و طاقت فرسا نبود. در هر حال در تاریخ یهودیان ثبت شده که بنی اسرائیل در سرزمین مصر در حالت "گالوت" (Galut גלות) زندگی می کردند.

در این جا اجازه بدهید مفهوم واژه "گالوت" را کمی روشن کنم. این واژه که بارها در بیان پیشینه یهودیان به کار می رود، اشاره به هر مکانی دارد که دور از میهن و از سرزمین ابا اجدادی آنان باشد. ولی همین واژه "گالوت" به معنی دور از وطن بودن و غربت کشیدن، ریشه ناسیونالیسم یهود را نیز بیان می کند.

پرسش - واژه "گالوت" به مفهوم "جلای وطن" است. آیا این چنین نیست؟

پاسخ - بله، "گالوت" از نظر زبان شناسی به مفهوم جلای وطن است. ولی گالوت مفهوم دیگری نیز دارد که آن "در دشواری زندگی کردن" و "تحمل مشقات و رنج و شکنجه دیدن" می باشد. این ها همه در تاریخ ملت یهود مفهوم "گالوت" را تداعی می کند.

پرسش - یهودیان چند سال در مصر ماندند؟

پاسخ - به طور کلی می توان گفت که بنی اسرائیل حدود چهار صد و سی سال در مصر به سر بردند و در این مدت بی تردید زاد و ولد آن ها در حدی بود که تعدادشان از یک میلیون نفر نیز فراتر رفت. البته در خود کتاب تورات نیز ذکری از چنین رقمی شده است.

در دوران حضرت موسی (که خود او یکی از نوادگان قبیله لوی بود، و لوی نیز خود یکی از فرزندان حضرت یعقوب و یا حضرت اسرائیل بود) به موجب آن چه که در تورات نوشته شده، حدود ششصد هزار مرد بالغ یهودی زیست می کرده اند.

حالا اگر شما زنان و کودکان این افراد را به این رقم اضافه کنید ممکن است حدود سه میلیون نفر بشوند - شاید هم کمتر و یا بیشتر.

ولی این شمار آنقدر هم مهم نیست، بلکه مهم آن است که بنی اسرائیل زاد و ولد کردند و شمار آنان رو به افزایش رفت، ولی همیشه در فکر وطن خویش بودند و آن را از یاد نبردند.

وقتی می گویم "وطن" منظور همان است که سعدی و حافظ نیز به آن اشاره کرده اند و آن مکانی است که انسان در آن جا زاده شده و در آن سرزمین ریشه دارد - ریشه اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و هر ریشه دیگری که بتوانید فکر آن را بکنید.

وطن از دیدگاه این یهودیان به غربت رفته همان مکانی بود که پدرانشان در آن جا به دنیا آمدند و زاد و ولد کردند - همانا منظور سرزمین اسرائیل است.

پرسش - مفهوم سخن شما آن است که گرچه بنی اسرائیل مدت چهارصد سال در سرزمین بیگانه و در غربت زندگی می کردند، ولی همچنان در فکر وطن و زادگاه پدران خویش بودند؟

پاسخ - بله، مسلم است. کاملا آشکار و واضح است، به خاطر آن که آنان چهارصد و سی سال در یک سرزمین بیگانه زندگی می کردند، و می توانستند در آن جا تحلیل بروند و مصری شوند و در رفاه آنان زندگی کنند.

خیلی ساده. درست مثل بسیار اقوام و مردمان دیگری که به اماکنی دیگر رفتند و در آن جا مستقر شدند و در آن سرزمین ها نیز تحلیل رفتند.

امروز مثلا یک عده در آمریکا مستقر می شوند و در آن جا آمریکائی می شوند و وطنشان را فراموش می کنند و قضیه تمام می شود. یک نسل یا دو نسل و سه نسل هم که گذشت، دیگر شما نمی توانید ریشه های فرهنگی و ملی این افراد را پیدا کنید. ولی در مورد ملت یهود، یعنی همان ملتی که از نوادگان حضرت یعقوب بودند (و در آن هنگام "بنی اسرائیل" یعنی فرزندان حضرت یعقوب [اسرائیل] نامیده می شدند)، آن ها وطن خویش، زادگاه پدران خویش و خاستگاه فرهنگ و ملیت خویش را هرگز از یاد نبردند؛ تا بالاخره آن

سردار بزرگ و آن سالار عظیم ظهور کرد و آنان را برای بازگشت به سرزمین اجدادی رهنمون گردید.

البته حضرت موسی بنی اسرائیل را مدت چندین سال در بیابان سینا هدایت می کرد - زیرا کار ساده ای نبود که یک جمعیت چندصد هزار نفری را به سرعت جا به جا کرد و از سرزمینی به سرزمین دیگر آورد و لازم بود برای اسکان آنان تدارکاتی دیده می شد.

این جاست که می خواهم بار دیگر یادآوری کنم که مفهوم دیگر "سرزمین اسرائیل" سرزمین پدران است که در عبری هم واژه ای دارد و علاوه بر این اسم، "سرزمین پدران" (ארץ אבות Erets Avot) و یا "سرزمین اجدادی" نیز نامیده می شود.

بنابراین وقتی که می گویند "ارض اسرائیل" (ארץ ישראל Erets yisrael) یعنی "سرزمین اسرائیل" و "خاک اجدادی". این ها بخشی از واژه هائی است که در نامگذاری سرزمین اسرائیل از جانب یهودیان به کار می رود.

شما از من تاریخ وقایع را پرسیدید، باید بگویم که خروج یهودیان از سرزمین مصر، کم و بیش در سال ۱۲۸۰ پیش از میلاد مسیح اتفاق افتاد. یعنی در این تاریخ بود که حضرت موسی یهودیان را از سرزمین مصر خارج کرد و به بیابان سینا آورد، یعنی در نزدیکی همان وطنی که گرچه بنی اسرائیل مدت چهار صد و سی سال در "گالتوت" زندگی می کردند، ولی یاد آن را همچنان در قلب خویش نگاه داشته بودند. در آن جا بود که حضرت موسی، مانند هر انسان دیگری، در سن ۱۲۰ سالگی چشم از جهان فرو بست.

پرسش - پروفیسور نتصر شما تاریخ دان هستید و سرنوشت ملت های دیگر را نیز مطالعه کرده اید و از آن آگاهی دارید، و در این جا می خواهم بپرسم که آیا در تاریخ ملت های جهان سابقه دارد که قومی چندین قرن در یک سرزمین دیگری دور از وطن خویش به سر برد، ولی هویت ملی خویش را همچنان حفظ کند و بعد هم رهبری ظهور کند و این ملت را به سرزمین پدری بازگرداند؟ آیا چنین رویدادی در تاریخ دیگر ملت های جهان نیز سابقه دارد؟

پاسخ - آقای منشه امیر، کار من "تحقیق" است و نه "تبلیغ". ولی با استناد به آن چه که می دانم از تاریخ برخی ملت ها، با قاطعیت می توانم بگویم که در تاریخ ملت ها چنین امری سابقه ندارد و هیچ ملت دیگری را نمی توانید پیدا کنید که چنین بوده باشد.

نه تنها این، بلکه شما یک برهه از زمان را انتخاب کردید، به زمانی اشاره کردید که مردمانی به نام "بنی اسرائیل" به عللی رهسپار سرزمین مصر شدند و در آن جا یا گیر کردند و یا ماندگار شدند، چهار صد و سی سال در آن جا زندگی کردند و بعدا به وطن خودشان بازگشتند.

ولی چنین امری، یعنی موردی که یهودیان به غربت برده شوند و پس از چند دهه یا بیشتر به سرزمین خویش بازگردند، نه فقط در مورد "گالوت" مصر، بلکه بارها در تاریخ چند هزار ساله ملت یهود رخ داده است.

بهترین نمونه آن در سال ۱۹۴۸ یعنی همین چند ده سال پیش است که با برپائی دوباره کشور اسرائیل، یهودیان از سرزمین های دور و نزدیک به وطن اجدادی خود بازگشتند.

توجه کنید که این بار بازگشت آنان نه پس از چهار صد و سی سال (همانند دوران "گالوت" در مصر) بوده که ظاهراً دوران کوتاهی به نظر می آید، بلکه پس از دو هزار سال دربدری و پراکندگی در سرزمین های مختلف بوده که یهودیان همچنان هویت ملی خویش را حفظ کردند و به سرزمین پدری بازگشتند.

یهودیان در این دو هزار سال در کشورهای مختلف زیسته اند، بیش از هفتاد هشتاد مملکت، ولی هنگام بازگشت نرفتند به کشور دیگر، مثلاً نرفتند به اوگاندا یا به اردن یا مراکش - بلکه برگشتند به کشور اجدادی خودشان که همانا "سرزمین اسرائیل" است.